

بررسی حقوقی انحصار امور مالی ناشی از ادغام بانک‌ها و مؤسسات مالی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۹/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۰۲/۱۸)

هادی ملک^۱

دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد رشته حقوق مالی اقتصادی

چکیده

ادغام بانک‌ها و مؤسسات اعتباری از زوایای گوناگون قابل بحث و بررسی می‌باشد. عواملی همچون رکود اقتصادی، تورم و تحریم‌های اقتصادی موجب تضعیف سیستم بانکی و در نهایت ورشکستگی بانک‌ها می‌شود. ورشکستگی یک و یا تعدادی از بانک‌ها می‌تواند باعث اختلال در کل نظام اقتصادی، صنایع و بازار مالی گردد که عواقب اجتماعی، سیاسی و امنیتی در کشور را به دنبال خواهد داشت. یکی از راهکارهای اصلی حقوقی برای پیشگیری از ورشکستگی بانک‌ها که در شرایط بحران‌های مالی در دنیا تجربه شده، ادغام است. به علاوه ادغام همیشه در زمینه ورشکستگی نخواهد بود، بلکه دلیل دیگری که می‌توان مؤسسات و بانک‌ها را ادغام نمود قدرتمندتر کردن این مؤسسات تجاری می‌باشد. از طرفی قانون گذار برای جلوگیری از انحصار مالی منفی در ادغام بانک‌ها و مؤسسات مالی، دست به تدابیر پیشگیرانه، تبیین تخلفات و بیان ضمان ناشی از انحصار زده است. انحصار امور مالی ناشی از ادغام بانک‌ها و مؤسسات مالی مفهوم انحصار، احکام انحصار در امور مالی و نتایج انحصار برای بسط مطلب در این مقاله مورد توجه و مذاقه قرار گرفته اند. به همین ترتیب پیشگیری از انحصار و نتایج منفی حاصله از انحصار از جمله ایجاد فسادهای گسترده بانکی و کاهش خلاقیت بانکی نیز بخش‌های مهم این مقاله را تشکیل می‌دهند.

واژگان کلیدی: انحصار مالی، حقوق بانکی، ادغام، مؤسسات مالی، ادغام بانک‌ها، انحصار مالی

مقدمه

ادغام بانک‌ها یکی از روش‌های بازسازی ساختارهای بانکی و نهادهای مالی است. علاوه بر این چون در همه کشورها بانک‌ها از طریق اعطای وام و پذیرش سپرده‌ها نقش مهمی در تأمین منابع مالی و ارائه خدمات مالی در اقتصاد دارند، همواره کارآیی بانک‌ها یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که توجه زیادی را به خود مبذول داشته است. در نتیجه در بعضی موارد، ادغام‌ها رایج‌ترین روش افزایش کارآیی نهادهای مالی نیز به شمار می‌روند. از سوی دیگر، روش‌های زیادی برای توسعه و رشد بانک‌ها در مطالعات مختلف بیان شده است، از جمله این روش‌ها می‌توان به «رشد از طریق افزایش وام‌ها و سپرده‌ها»، «تصاحب بانک یا بانک‌های دیگر»، «خرید یا تملک دیگر شرکت‌ها یا بنگاه‌ها» یا «ادغام با دیگر بانک‌ها یا شرکت‌هایی که کارایی بیشتری دارند» اشاره کرد (جلال آبادی و میرجلیلی، ۱۳۸۶، ۱۳۵). اما اغلب بانک‌ها از طریق «ادغام‌ها و تملک‌ها» رشد می‌کنند. معمولاً ادغام‌ها هنگامی اعمال می‌شوند که بانک‌ها در تأمین هزینه‌های خود با مشکل مواجه شوند یا اینکه آنها در مقیاسی عمل می‌کنند که از صرفه‌های مقیاس برخوردار نیستند یا از توانایی مدیریتی کمتری بهره‌مند هستند. در چنین وضعیتی بانک‌ها تصمیم به ادغام با بانک‌هایی می‌گیرند که بتوانند این نواقص را برای آنها پوشش دهند. از این رو در سراسر جهان، ادغام‌های بانکی برای برخورداری از مزایای صرفه‌های مقیاس و «توان بالای مدیریتی» و با هدف «نجات بانک‌ها از ورشکستگی» انجام شده است (قنبری، ۱۳۹۴، ۲۷). ادغام بانک‌ها و مؤسسات اقتصادی به فرایند ادغام و خاتمه استقلال شرکت‌ها ختم نمی‌شود بلکه از این پس آثاری را شاهدیم که می‌تواند مسئولیت این شرکت‌ها را دوچندان نماید. از جمله این آثار ایجاد انحصار در خدمات بانکی و مالی است که چه بسا دست سایر رقبا را از بازار به کلی کوتاه کرده و منجر به ورشکستگی سایر مؤسسات نیز گردد. به دنبال اتخاذ رویه‌های ضد رقابتی توسط شرکت‌های ادغام شده مسئولیت‌های مالی، اقتصادی، حقوقی، کیفری و انتظامی بر این شرکت‌ها و کسانی که در روند ایجاد انحصار مشارکت داشته‌اند بار می‌شود (گنجی، ۱۳۹۵، ۹۵).

بخش اول: کلیات و مفاهیم

بند اول: بانک و مؤسسات اقتصادی

دو گونه شرکت تجاری در بحث ادغام، مورد توجه قرار گرفته است. یک دسته بانک‌ها اعم از خصوصی و دولتی هستند و دسته دیگر مؤسسات اقتصادی اند که در گردش مالی جامعه به کار گرفته می‌شوند.

۱. بانک

بانک با ساختار فعلی آن در ایران و کلیاتی که در کتب حقوقی و اقتصادی بیان می‌شود در کشور ایران نیز مصادیق بسیاری با اشکال و انحاء مختلف به خود یافته است. لذا بررسی مفهوم بانک، مستلزم بیان انواع آن و تمایزات هر یک و همچنین ساختار آن است. انواع بانک شامل بانک‌های خرد که مستقیماً با مشتریان در تماس هستند و تعاملات مالی آنها را به عهده می‌گیرند و بانک‌های سرمایه، بانک مرکزی که معمولاً در هر کشور یک نهاد بیشتر نیست و سایر بانک‌ها تقسیم می‌شوند (معتضد، ۱۴۰۰، ۶۷).

مفهوم واژه بانک، اصطلاحی قدیمی است که از واژه آلمانی به همین نام به معنای نوعی شرکت، اخذ شده و رواج یافته و شاید هم از کلمه «بانکو» که یک لغت ایتالیایی به معنای نیمکت صرافان است، اشتقاق یافته است. بانک‌های تجاری امروزی کارکردهای متفاوتی مانند تجهیز و توزیع اعتبارات، عملیات مالی، خرید و فروش ارز، نقل و انتقال وجوه و وصول مطالبات اسنادی را بر عهده دارند. اما بر اساس بند ۳ ماده یک آیین نامه نحوه تأسیس و اداره بانک‌ها مصوب ۱۳۸۸/۸/۱۲ شورای پول و اعتبار، مهم‌ترین کارکرد بانک، واسطه‌گری میان عرضه‌کنندگان و متقاضیان پول است. با این حال، در نظام حقوقی ما اکتفا به اعمال معیار کارکرد، نمی‌تواند ضابطه دقیقی برای تشخیص فعالیت بانکی و در نتیجه شناخت بانک باشد. بر اساس بند ج ماده واحده قانون اجازه تأسیس بانک‌های غیردولتی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ مجلس شورای اسلامی، فعالیت بانکی و تأسیس بانک به اخذ مجوزهای مربوط از مراجع ذیصلاح وابسته است. بر این اساس، تعریف شخصیت حقوقی به عنوان بانک، صرفاً وابسته به این امر است که چنین شخص حقوقی مجوز تأسیس و فعالیت بانکی را داشته باشد (روستایی، ۱۳۹۶، ۵۲). با این حال، از گذشته، رویه‌ای وجود داشته که بر اساس آن بسیاری از فعالیت‌های بانکی، از جمله واسطه‌گری میان عرضه‌کنندگان و متقاضیان پول، از طریق مؤسسات یا اشخاصی که چنین مجوزی را نداشته‌اند، صورت می‌گرفته است. این کار معمولاً از طریق تعاونی‌های اعتبار و مؤسسات مالی و اعتباری انجام می‌شده است. لذا این مؤسسات و تعاونی‌های اعتباری نیز در شمار مصادیق بانک قرار می‌گیرند و قواعدی که درباره ادغام بانک‌ها به مفهوم خاص مورد نیاز است، در خصوص این مؤسسات و تعاونی‌های اعتباری نیز می‌تواند اعمال شود (زارعی و مدنی، ۱۴۰۰، ۴۳).

۲. مؤسسه اقتصادی

در بحث انواع مؤسسات اقتصادی می‌توان تقسیم‌بندی کلی مؤسسات از لحاظ مالکیت، طبقه‌بندی

آنها از حیث هدف و نوع فعالیت را ملحوظ نظر قرارداد. علاوه بر این تقسیم بندی های جزئی تری نیز بر انواع فوق مترتب است که در مبحث انواع ملاحظه می گردد. در ارزیابی مؤسسات اقتصادی در نهایت به عناصر سرمایه گذاری، نوآوری فنی، سازمان اقتصادی و سرمایه انسانی می رسیم که عوامل تشکیل دهنده و اهداف ایجاد یک مؤسسه اقتصادی را هستند. مطالعه این زیرشاخه ها در جای خود جالب توجه است (قربانی و همکاران، ۱۴۰۰، ۱۲۵). مفهوم مؤسسه اقتصادی یک شرکت یا سازمان است که با پول یا مدیریت توزیع پول، کالا و خدمات در اقتصاد مشارکت می کند. بانک ها، سازمان های دولتی و صندوق های سرمایه گذاری همه از مؤسسات اقتصادی هستند. به این ترتیب عبارت مؤسسات اقتصادی اعم از بانک و سایر مؤسساتی است که به نوعی با وجه نقد و تعاملات اقتصادی در ارتباط هستند. بسیاری از مؤسسات مالی، نقش مؤسسات واسطه را بازی می کنند. این بدان معناست که آنها به ارتباط بین قرض دهندگان و وام گیرندگان کمک می کنند. گاهی مؤسسات اقتصادی عام به جای عبارت مؤسسات مالی بهار می روند. این در حالی است که مؤسسات مالی دارای مفهومی مضیق هستند. مؤسسات مالی، مؤسساتی است که معاملات مالی مانند سرمایه گذاری، وام ها و سپرده ها را انجام می دهند (منوری، ۱۳۸۸، ۵۱).

۳. مؤسسات مشابه

مؤسسات دیگری نیز با عملکرد مشابه مؤسسات اقتصادی و بانک ها تعریف شده اند که عملکرد متفاوتی دارند. مؤسسات اعتباری، شرکتهای سهامی کارگزاری، شرکت های مدیریت دارایی، شرکت های بیمه، شرکت های مالی به معنای خاص، گروه های ساخت و خرده فروشان از این دسته اند. مصادیق این مؤسسات در ایران کم نیست. شرکت های تعاونی اعتبار، شرکت های واسطاری یا لیزینگ، صرافی ها و بازار بورس از آن جمله اند (نظری، ۱۳۹۹، ۱۴).

بند دوم: ادغام

مفهوم و تعریف این واژه در کنار فرایند ادغام که در هر کشور به تناسب مقررات موجود، با اندک تمایزاتی برقرار می شود، آغازگر مبحث فوق است. عباراتی چون «اکتساب»، «یکپارچه سازی» و «اختلاط» مفاهیمی هستند که گاهی تفاوت های فاحشی با ادغام دارند، لیکن گاهی به سهو به جای یکدیگر به کار می روند که این جایگزینی با توجه به تفاوت رویکرد و آثار این فرآیندها به خطاست (گرو، ۱۹۱۹، ۱۲۰). ادغام علاوه بر فرآیند مشابهی که در انواع خود دارد، واجد صوری است که در نتیجه حاصله از یکدیگر تفکیک می شوند. ادغام های مجاز، محل رقابت و خارج از حکم قانون

از این دسته اند. ادغام واجد آثاری نیز هست. این آثار پس از ادغام به بازار، عملکرد کلی شرکت و.... تأثیر می‌گذارد. آثاری که می‌تواند مثبت یا منفی باشد (کوتس و مارجرز، ۲۰۱۴، ۱۷۵). تعریف ادغام در لغت به معنای فراگرفتن یا داخل کردن چیزی در چیز دیگر یا در هم فشردن دو چیز است. در حقوق شرکت-های تجاری، ادغام در معنای اصطلاحی کنترل دو یا چند شرکت تجاری توسط یک شرکت تجاری دیگر است. در نظام حقوقی ایران، در بحث حقوق شرکت‌های تجاری، ادغام عبارت است از اقدامی که بر اساس آن چند شرکت، ضمن محو شخصیت حقوقی خود، شخصیت حقوقی واحد و جدیدی تشکیل می‌دهند و در شخصیت حقوقی دیگری جذب می‌شوند (کوکورس و شافر، ۲۰۱۸، ۱۴۵). در تعریف دیگر، ادغام یعنی ترکیب دو شرکت به طوری که تنها یک شرکت باقی بماند و شرکت ادغام شده از موجودیت خارج می‌گردد. در عمل ادغام، شرکت حاصله، دارایی‌ها و دیون شرکت ادغام شده را کسب می‌کند (روستائی، ۱۳۹۶، ۷۰).

بند سوم: انحصار

انحصار در برخی موارد مفهومی مثبت و گاهی منفی دانسته شده است، در اینجا انحصار به طور کلی بررسی می‌شود. فارغ از این که چه آثاری به دنبال دارد. در واقع تعریف انحصار از آثار آن مجزاست. چه بسا انحصار با همان مفهوم گسترده خود از جمله اهداف قانون‌گذار در برخی از برهه‌های زمانی قرار گرفته و برخی خدمات را در انحصار دولت یا ارگان خاص قرار دهد. در اواخر قرن ۱۹ میلادی، پیدایش و گسترش صنایع جدید و بزرگ همراه با مشکلاتی بود که از جمله آنها می‌توان به ایجاد و گسترش انحصارها اشاره کرد. یکی از اهداف حقوق رقابت، جلوگیری از انحصارها به منظور حفظ رقابت آزاد در بازار است؛ اما انحصار، همواره رویه‌ای ضد رقابتی محسوب نمی‌شود؛ بلکه می‌تواند آثار و نتایجی به همراه داشته باشد که مغل رقابت است (جلال آبادی و میرجلیلی، ۱۳۸۶، ۱۴۶). یک بنگاه زمانی از قدرت انحصاری برخوردار است که بتواند قیمت داده و یا ستانده شخصی را در بازار مربوطه کنترل نماید. به عبارت دقیق‌تر انحصار زمانی تحقق پیدا می‌کند که یک بنگاه مواجه با یک منحنی تقاضای نزولی در بازار کالا و یا خدمت تولیدی خود بوده یا مواجه با یک منحنی عرضه صعودی در بازاری که عوامل تولید مورد نیاز خود را خریداری می‌نماید است. به این ترتیب، قدرت انحصاری بنگاه بستگی به کشش منحنی تقاضای ستانده، یا کشش منحنی عرضه داده آن دارد. هرچه کشش‌های مربوطه کمتر باشد، از یک سو، شکاف بیشتری بین قیمت و هزینه نهایی تولید ایجاد شده و مقدار زیان ثابت که خود معیاری از عدم کارایی بازار مربوطه است بیشتر خواهد

شد. بنگاه‌ها به دلایل مختلف می‌توانند در موقعیت انحصاری قرار گیرند. در موارد کارایی نسبی بالای بنگاه نسبت به سایر رقیب‌ها سبب رشد بنگاه، تمرکز بازار، و نهایتاً موقعیت انحصاری آن می‌شود. در موارد دیگر بنگاه‌ها با همکاری، تبانی و سازش با سایر رقیبان، یا حرکات استراتژیک خود، یا تبانی با مراکز تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری اقتصادی و سیاسی موفق به کسب قدرت انحصاری می‌شوند. برخورد قانون‌گذار و سیاست‌گذاران اقتصادی با انحصارهای گروه اول در مقایسه با انحصارهای گروه دوم بسیار متفاوت است. باید به این نکات توجه کرد که رابطه نزدیکی بین فساد اداری و سودهای انحصاری وجود دارد. از یک سو، سودهای انحصاری ناشی از برنامه ریزی‌های اقتصادی دولت سبب ایجاد فساد اداری جهت کسب آن می‌شود. از سوی دیگر، فساد اداری خود می‌تواند منجر به برنامه ریزی‌های اقتصادی جهت ایجاد سودهای انحصاری گردد. هرچند فساد اداری بدون سودهای انحصاری یا سودهای انحصاری بدون فساد اداری نیز امکان‌پذیر است (زارعی و مدنی، ۱۴۰۰، ۴۸). قانون نحوه اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ نیز انحصار را چنین می‌شمارد: «وضعیتی در بازار که سهم یک یا چند بنگاه یا شرکت تولیدکننده، خریدار و فروشنده از عرضه و تقاضای بازار به میزانی باشد که قدرت تعیین قیمت و یا مقدار را در بازار داشته باشد، با ورود بنگاه‌های جدید به بازار یا خروج از آن با محدودیت مواجه باشد.

بخش دوم: انحصار امور مالی ناشی از ادغام بانک‌ها و موسسات مالی

بند اول: احکام انحصار امور مالی

انحصار تنها واجد آثار تبعی نیست. گاهی می‌توان مقرراتی وضع کرد که جلوی انحصار ناخواسته را بگیرد. لذا پیشگیری از ارتکاب انحصار محل رقابت می‌تواند از وقوع بسیاری از تبعات آن جلوگیری کند.

الف) مقررات ناظر به پیشگیری

عوامل بسیاری در ایجاد انحصار دخیل‌اند. لیکن آنچه موضوع بحث ما را تشکیل می‌دهد ادغام‌های مؤسسات اقتصادی از آن جهت است که منجر به انحصارگری می‌شود. همان‌طور که آمد ادغام بدین معناست که چند واحد تجارتي باهم یکی شوند و استقلال خود را به طور دائم از دست بدهند و تحت یک مدیریت واحد به عملیات تجارتي بپردازند. در ادغام معمولاً ساختار داخلی شرکت‌ها تغییرات زیادی می‌کند. ادغام در عالم اقتصاد عملی طبیعی است و وسیله‌ای برای توسعه فعالیت‌های تجاری است. اما ادغام می‌تواند منجر به سلطه بر بازار شود و با ایجاد اختلال در رقابت موجب حذف رقبا

گردد. به همین علت توسط دولت‌ها مورد کنترل قرار می‌گیرد. اصل اساسی مورد استفاده در کنترل ادغام‌ها توسط دولت، اصل پیشگیری بهتر از درمان است. چرا که هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی شکستن ادغام‌ها بسیار سنگین است و گزینه آسانی برای مقامات رقابتی به شمار نمی‌آید. واضح است که از میان ادغام‌های قابل اجرا، ادغام افقی خطرناک‌ترین نوع ادغام هاست. اما در حقوق رقابت اقتصادی دو نوع دیگر ادغام یعنی ادغام عمودی و ادغام واحدهای متفاوت نیز مورد توجه هستند. کنترل ادغام‌ها به قدری در حقوق رقابت و نظارت دولت مهم است که آن را عامل اصلی گسترش حقوق رقابت دانسته‌اند. باید در نظر داشت که با توجه به سیاست پیشگیری بهتر از درمان، در مورد کنترل ادغام‌ها، نهادهای رقابتی موظف‌اند تمامی ادغام‌های مؤثرتر از حد معینی را بررسی کرده و برای آن مجوز صادر کنند (قربانی و همکاران، ۱۳۹۹، ۱۳۰). در اینجا مشخص می‌شود دولت و در معنای خاص آن نهادهای رقابتی وظیفه سنگین تری نسبت به کنترل ادغام‌ها دارند، چرا که یک گروه وظیفه به وظایف آنها اضافه می‌شود. پاسخ‌های کنشی در قانون اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ جنبه بازدارنده و پیشگیرانه داشته و به مرحله قبل از وقوع جرم مربوط می‌شوند. در حقیقت تدابیری که هدفش سالم سازی محیط اجتماعی و محو و خنثی سازی عوامل جرم زای موجود در محیط است را می‌توان در زمره اقدامات کنشی دانست. بنابراین گستره این اقدامات بسیار وسیع بوده و در این قانون موارد عدیده‌ای را دربر می‌گیرد (قنبری، ۱۳۹۴، ۳۰).

۱. خصوصی سازی یکی از ابزارهای سیاست‌های رقابتی است که به وسیله آن سهم دولت از تصدی گری و مدیریت امور تولیدی در مقابل بخش خصوصی کاهش می‌یابد. بی تردید یکی از پیش شرط‌های اجرای مؤثر سیاست خصوصی سازی، توانمندسازی بخش خصوصی است، زیرا یکباره بخش خصوصی جای خالی دولت را پر نمی‌کند و به خودی خود توانمند نمی‌شود. دولت باید خلا را به تدریج پر کند و بر یا توانمندسازی بخش خصوصی برنامه داشته باشد. تبیین سیاست‌ها و خط مشی‌های اجرایی سالانه از وظایف و اختیارات شورای عالی اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی است. بخش اول سیاست‌های کلی تعیین شده توانمندسازی بخش خصوصی در فعالیت‌های اقتصادی و رفع موانع می‌باشد که اقداماتی از قبیل توانمندسازی بخش خصوصی به منظور ورود به عرصه فعالیت‌های اقتصادی، آموزش بخش خصوصی، بهبود فضای کسب و کار و حذف فرآیندهای غیرضروری در عرصه فعالیت‌های اقتصادی، تغییر ساختار بازارها به منظور تسهیل فرآیند رقابت، زمینه سازی برای جذب سرمایه گذاری‌های خارجی و توسعه و تقویت سازمان‌های مردم نهاد را شامل

می‌شود (قنبری، ۱۳۹۴، ۳۱).

۲. مقررات زدایی از جمله روش‌هایی است که در دهه‌های اخیر اهمیت یافته است. این امر فرایندی است که دولت‌ها به منظور کارا تر کردن عملیات بازار، اقدام به کاهش، حذف یا ساده سازی محدودیت‌های حاکم بر کسب و کار می‌کنند. منطق مقررات زدایی ساده‌تر و کمتر کردن مقررات برای رقابت پذیری بیشتر است. تبصره سه ماده ۷ قانون اصل ۴۴ در خصوص مقررات زدایی بیان می‌دارد: «وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است ظرف شش ماه از تصویب این قانون با همکاری کلیه مراجع صدور مجوز یا پروانه کاری یا بهره برداری یا نظایر آن کتاب راهنمای سرمایه گذاری در کلیه فعالیت‌های اقتصادی را منتشر و هر شش ماه یک بار با رویکرد تسهیل مقررات و حذف مجوزهای غیرضروری، آن را مورد تجدیدنظر قرار دهد...». در تبصره ۴ این ماده هیأتی مأمور نظارت بر مقررات زدایی و تسهیل شرایط صدور مجوزها و پروانه فعالیت‌های اقتصادی از جانب رئیس جمهور گردیده اند (گنجی، ۱۳۹۵، ۹۰).

۳. برابری در مزایای خاص؛ طبق ماده ۸ قانون فوق، هر امتیازی که برای بنگاه‌های دولتی با فعالیت‌های اقتصادی گروه یک و دو ماده ۲ قانون مقرر شود، عیناً و با اولویت، برای بنگاه یا فعالیت اقتصادی مشابه در بخش خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی باید در نظر گرفته شود. ضمن آن که بر اساس ماده ۵۲ هر گونه کمک و اعطای امتیاز دولتی به صورت تبعیض آمیز به یک یا چند بنگاه یا شرکت که موجب تسلط در بازار یا اخلال در رقابت شود، ممنوع است. آنچه در مقررات ایران به صراحت دیده می‌شود تسلط دولت بر بخش‌های عمده صنعت و اقتصاد است که بعضاً منجر به قدرت انحصاری دولت و بعضاً منجر به محدودیت رقابت در عرصه اقتصاد و تجارت و صنعت شده است (قربانی، ۱۳۹۹، ۱۳۰).

۴. رفع تعارض منافع؛ اقدامات پیشگیرانه از تعارض منافع، با حذف وسوسه یا فرصت عادی مواجهه با فساد، عامل مهمی در پیشگیری از فساد اقتصادی خواهند بود. اقدامات صورت گرفته در ارتباط با رفع تعارض منافع، با حذف اسباب مظنونیت، از مأموران نیز حمایت می‌کند و به سلامت نظام اداره دولت اعتماد و اطمینان می‌بخشد. در همین راستا ماده ۲۴ در مورد افرادی که در جریان واگذاری مظنون به فساد هستند مقرر می‌دارد: «...حق ندارند به طور مستقیم یا غیرمستقیم در خرید سهام، سهم الشرکه، حق تقدم ناشی از سهم و سهم الشرکه، حقوق مالکانه و حق بهره برداری مدیریت قابل واگذاری را، خریداری نمایند». به موجب تبصره ۲ این ماده ممنوعیت شامل بستگان این افراد به شرح مندرج در

قانون منع مداخله کارکنان دولت مصوب ۱۳۳۷ و اصلاحات بعدی آن نیز می‌گردد (نظری، ۱۳۹۹، ۱۷).

۵. تدوین کدهای رفتاری همراه با مشارکت جامعه مدنی؛ رعایت مقررات اخلاق حرفه‌ای و فنی خود یک نوع پیشگیری اجتماعی و گاهی وضعی فنی از جرم محسوب می‌شود. کدهای رفتاری غالباً بیان رسمی ارزش‌های سازمانی درباره موضوعات اخلاقی و اجتماعی معین می‌باشند. کدها معیار صحت رفتارهای حرفه‌ای در موقعیت‌های مختلف را بیان کرده و معین می‌کنند که آیا در اخلاق حرفه‌ای سرپیچی یا تخلفی صورت گرفته یا خیر. در قانون اصل ۴۴ نیز به این مسأله توجه شده و ماده ۱۵ مقرر داشته است: «دولت موظف است حداکثر ظرف شش ماه زمینه‌های تأسیس انجمن‌های صنفی حرفه‌ای را به صورت سازمانهای مردم نهاد فراهم نماید. این انجمن‌ها برای تحقق مقررات صنفی و حرفه‌ای، اصول اخلاق حرفه‌ای و توسعه علمی و تکنولوژی در رشته‌های مرتبط فعالیت می‌نمایند. دستگاه‌های اجرایی موظف‌اند در تدوین و اصلاح ضوابط و مقررات از این انجمن‌ها نظر مشورتی اخذ نمایند». علاوه بر این در ماده ۹۱ نیز به مشارکت جامعه مدنی در سه حوزه تقنینی، اجرایی و قضایی اشاره شده است (قنبری، ۱۳۹۴، ۲۶).

۶. آموزش و برنامه‌های تشویقی برای کارکنان، برنامه‌های آموزشی همواره در زمره راهکارهای پیشگیری اجتماعی از وقوع جرم قرار گرفته‌اند. از سوی دیگر استفاده از محرک‌های مثبت برای ارتقای انگیزه کارکنان نیز به طرق مختلف از فساد مالی پیشگیری یا با آن مبارزه می‌کند. برای مثال دستمزدهای کافی ممکن است از نیاز یک کارمند به جبران آن از منابع دیگر جلوگیری کند. در مقابل موقعیت و دستمزد پایین به دلایل زیادی به ارزش‌های فرهنگی موافق با فساد کمک می‌کند. به موجب تبصره ۴ ماده ۲۷: «دولت مجاز است برای آموزش‌های کوتاه مدت تخصصی، ترغیب و تشویق و پاداش کارکنان سازمان خصوصی سازی، هر ساله یک ردیف اعتبار در قانون بودجه منظور نماید. اعتبارات این ردیف طبق آیین نامهای که به پیشنهاد هیأت واگذاری به تصویب شورای عالی اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی خواهد رسید هزینه می‌شود».

۷. مهار فساد در فرایند واگذاری؛ در فرایند واگذاری، بخش دولتی و خصوصی با هم داد و ستد می‌کنند. در مورد شیوه‌های مختلف واگذاری در ماده ۲۰ اولویت با عرضه عمومی سهام در بورس می‌باشد. الزام به ارائه اطلاعات و به کارگیری آنها یکی از ویژگی‌های مهم بازارهای اوراق بهادار بوده و واگذاری از طریق بورس فرصت رانت خواری و شکل‌گیری رانت اطلاعاتی را حذف

می‌کند. همچنین برای دسترسی مردم به اطلاعات واگذاری بنگاه‌های دولتی که در حقیقت در زمره برنامه‌های پیشگیری اجتماعی از جرائم اقتصادی است، به موجب بند ب ماده ۱۷، وزارت امور اقتصادی و دارایی مکلف گردیده تا در صورت تقاضای خریدار، اطلاعات، مدارک و صورت‌های مالی تأیید شده را در اختیار آنها قرار دهد (زارعی، ۱۴۰۰، ۴۵).

ب) انواع تخلفات

قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاستهای کلی اصل چهارم و چهارم (۴۴) قانون اساسی به تخلفاتی که نقض مقررات رقابت شمرده شده و کنار گذاشتن آنها یا تخلف از آنها را انحصارطلبی دانسته برمی‌شمرد. از جمله تخلفاتی که ماده ۴۴ این قانون بدان اشاره می‌کند هرگونه تبانی از طریق قرارداد، توافق و یا تفاهم (اعم از کتبی، الکترونیکی، شفاهی و یا عملی است که بین اشخاص با یک یا چند اثر زیر می‌باشد به نحوی که نتیجه آن بتواند اختلال در رقابت به شمار آید و انجام این معاملات ممنوع است. به موجب ماده ۴۷ مقرر فوق، هیچ شخص حقیقی یا حقوقی نباید سرمایه یا سهام شرکت‌ها یا بنگاه‌های دیگر را به نحوی تملک کند که موجب اختلال در رقابت در یک و یا چند بازار گردد. موارد زیر از شمول این ماده مستثنی است (قنبری، ۱۳۹۴، ۲۶):

۱. تملک سهام یا سرمایه به وسیله کارگزار یا کارگزار معامله‌گری که به کار خرید و فروش اوراق بهادار اشتغال دارد، مادامی که از حق رأی سهام برای اختلال در رقابت سوءاستفاده نشود.
 ۲. دارا بودن یا تحصیل حقوق رهنی نسبت به سهام و سرمایه شرکت‌ها و بنگاه‌های فعال در بازار یک کالا یا یک خدمت مشروط بر این که منجر به اعمال حق رأی در این شرکت‌ها یا بنگاه‌ها نشود.
 ۳. در صورتی که سهام یا سرمایه تحت شرایط اضطراری تملک شده باشد، مشروط بر این که حداکثر ظرف یک ماه از تاریخ تملک، موضوع به اطلاع شورای رقابت برسد و بیشتر از مدت زمانی که شورا تعیین می‌کند، تملک ادامه نیابد.
- آنچه بیشتر به موضوع بحث ما نزدیک است، مسأله ادغام شرکت‌ها و تخلفات اصلی راجع به آن است که در ماده ۴۸ قانون فوق الاشعار بدان اشاره و ادغام شرکت‌ها یا بنگاه‌ها را در موارد زیر ممنوع اعلام کرده است (زارعی و مدنی، ۱۴۰۰، ۴۵):

۱. در جریان ادغام یا در نتیجه آن اعمال مذکور در ماده (۴۵) اعمال شود.
۲. هرگاه در نتیجه ادغام، قیمت کالا یا خدمت به طور نامتعارفی افزایش یابد.

۳. هرگاه ادغام موجب ایجاد تمرکز شدید در بازار شود.

۴. هرگاه ادغام، منجر به ایجاد بنگاه یا شرکت کنترل کننده در بازار شود.

در مواردی که پیشگیری از توقف فعالیت بنگاه‌ها و شرکت‌ها یا دسترسی آنها به دانش فنی جز از طریق ادغام امکان پذیر نباشد، هرچند ادغام منجر به بندهای (۳) و (۴) این ماده شود، مجاز است. دامنه تمرکز شدید را شورای رقابت تعیین و اعلام می‌کند.

ج) ضمان ناشی از انحصار

در حوزه اقتصاد یکی از عناصر ضروری و اساسی در انجام رفتارهای اقتصادی، رقابت فعالان این حوزه با یکدیگر است. حصول بازار رقابتی و بهره‌مندی از مزایای آن نظیر افزایش کارایی، تخصیص بهینه منابع و رفاه اقتصادی از جمله اهدافی است که دولت‌ها دنبال می‌کنند. به همین دلیل، ملاحظه می‌شود که اغلب کشورهای جهان اعمال سیاست‌هایی در جهت حمایت از رقابت و گسترش آن را در دستور کار خود قرار داده‌اند. یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاست رقابتی در جهت تقویت رقابت بازارها، قوانین رقابت است. بدین ترتیب، حقوق رقابت، قواعد و مقرراتی است که از آن دسته از اعمال و رفتار فعالان اقتصادی که قابلیت بالقوه یا بالفعل اخلال در رقابت را دارند، ممانعت می‌نماید. از این اعمال که توسط بسیاری از قانون‌گذاران به عنوان یک رفتار متخلفانه یا مجرمانه شناسایی شده‌اند، با عنوان رویه‌های ضد رقابتی یاد می‌شود (منوری، ۱۳۸۸، ۶۰). در ایران نیز مقررات رقابت و رویه‌های ضد رقابتی برای نخستین بار در فصل نهم قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷ پیش‌بینی گردید. این رویه‌ها متضمن ممنوعیت‌های جدیدی برای اشخاص در حوزه فعالیت اقتصادی است. یکی از مهم‌ترین مباحث در خصوص هر ممنوعیت در ارتباط با ضمانت اجرایی است که در نتیجه عدم رعایت آن متوجه متخلفین می‌گردد. نگاه اجمالی به مقررات این قانون بیانگر آن است که قانون‌گذار ایران بنابه ملاحظاتی در خصوص رویه‌های ضد رقابتی، مداخله کیفری را ضروری ندانسته و با تخلف‌انگاری این رویه‌ها و وضع ضمانت اجرای غیر کیفری، به دنبال مبارزه با این امر بوده است. از جمله ضمانت اجرای تعیین شده در این قانون ضمانت اجرایی است که واجد خصیصه مالی است. هرگاه شورا پس از وصول شکایات یا انجام تحقیقات لازم احراز کند که یک یا چند مورد از رویه‌های ضد رقابتی موضوع مواد (۴۴) تا (۴۸) این قانون توسط بنگاهی اعمال شده است، می‌تواند حسب مورد یک یا چند تصمیم زیر را بگیرد (نظری، ۱۳۹۹، ۱۵):

۱. دستور به فسخ هر نوع قرارداد، توافق و تفاهم متضمن رویه‌های ضد رقابتی موضوع مواد (۴۴) تا

(۴۸) این قانون

۲. دستور به توقف طرفین توافق با توافقی‌های مرتبط با آن از ادامه رویه‌های ضد رقابتی موردنظر.
۳. دستور به توقف هر رویه سخت کاری یا عدم تکرار آن.
۴. اطلاع رسانی عمومی در جهت شفافیت بیشتر بازار
۵. دستور به عزل مدیرانی که برخلاف مقررات ماده (۴۶) این قانون انتخاب شده اند.
۶. دستور به واگذاری سهام یا سرمایه بنگاهها یا شرکتها که برخلاف ماده (۴۷) این قانون حاصل شده است.
۷. الزام به تعلیق یا دستور به ابطال هرگونه ادغام که برخلاف ممنوعیت ماده (۴۸) این قانون انجام شده و یا الزام به تجزیه شرکت‌های ادغام شده.
۸. دستور استرداد اضافه درآمد و یا توقیف اموالی که از طریق ارتکاب رویه‌های ضد رقابتی موضوع مواد (۴۴) تا (۴۸) این قانون تحصیل شده است از طریق مراجع ذیصلاح قضائی
۹. دستور به بنگاه یا شرکت جهت عدم فعالیت در یک زمینه خاص یا در منطقه یا مناطق خاص.
۱۰. دستور به اصلاح اساسنامه، شرکت نامه یا صورت جلسات مجامع عمومی یا هیئت مدیره شرکت‌ها یا ارائه پیشنهاد لازم به دولت در خصوص اصلاح اساسنامه‌های شرکت‌ها و مؤسسات بخش عمومی.
۱۱. الزام بنگاه‌ها و شرکتها به رعایت حداقل عرضه و دامنه قیمتی در شرایط انحصاری. ۱۲. تعیین جریمه نقدی از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال، در صورت نقض ممنوعیت‌های ماده (۴۵) این قانون.
- آئین نامه مربوط به تعیین میزان جرائم نقدی متناسب با عمل ارتكابی به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی، بازرگانی و دادگستری تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد (نظری، ۱۳۹۹، ۱۷).

بند دوم: نتایج انحصار امور مالی بر اقتصاد

انحصار علاوه بر این که برای شرکت‌های انحصار طلب دارای نتایج پسندیده‌ای است ممکن است به حال اقتصاد جامعه و بین الملل به طور کلی مضر باشد. از نتایج آن می‌توان به شکست بازار، ایجاد فسادهای بانکی، کاهش خلاقیت و نوآوری در امور بانکداری و افزایش بهای خدمات بانکی اشاره کرد که در عین سودآوری برای بانک‌ها و مؤسسات اقتصادی به حال اجتماع مضر تلقی شده و با

گذشت زمان کارایی و سوددهی بانک‌ها را به حداقل می‌رساند (جلال آبادی، ۱۳۸۶، ۱۵۱).

۱. شکست بازار

شکست بازار یک مفهوم در تشریح نظریه اقتصادی است زمانی که تخصیص کالاها و خدمات توسط یک بازار آزاد کارآمد نیست؛ یعنی پیامد قابل تصور دیگری وجود دارد جایی که سهم یک بازار ممکن است بهتر شود بدون بدتر کردن دیگری. شکست‌های بازار می‌توانند مانند فیلم نامه نگریسته شوند که در آنها نفع شخصی خالص حرفه فرد منتهی به نتایجی می‌شود که ناکارآمد هستند. شکست‌های بازار اغلب با اطلاعات نامتقارن، بازارهای غیررقابتی، مسائل کارگزار-کارفرما، اثرات برونی یا کالاهای عمومی همگام شده است. وجود شکست بازار اغلب به عنوان یک تصدیق برای مداخله دولت در یک بازار خاص استفاده می‌شود. اقتصاددانان مخصوصاً اقتصاد خرددانان اغلب نگران اثرات شکست بازار و راه‌های ممکن برای تصحیح هستند. چنین تجزیه و تحلیل‌هایی نقش مهمی در بسیاری از تصمیمات و مطالعات سیاست عمومی بازی می‌کنند، هرچند برخی از مداخلات سیاسی دولت مانند مالیاتی یارانه‌ها، چتربازیه‌ها، کنترل‌های دستمزد و قیمت و مقررات دربرگیرنده کوشش‌هایی برای شکست کامل بازار است همچنین ممکن است به تخصیص ناکارآمد منابع منتهی شود (گاهی اوقات شکست دولت خوانده می‌شود). بنابراین گاهی اوقات یک انتخاب بین پیامدهای ناتمام وجود دارد به عبارت دیگر پیامدهای بازاری ناقص با مداخله دولت یا بدون مداخله دولت، اما به هر حال در صورت وجود شکست بازار پیامد کارایی پارتو نیست. روند کلی اقتصاددانان نئوکلاسیک بر این باور استوار است که شاید این امکان برای دولت وجود داشته باشد که پیامد بازار ناکارآمد را بهبود بخشد، اگرچه چندین مکتب نامتعارف متفکر با این مخالف اند (قربانی و همکاران، ۱۳۹۹، ۱۳۳). اقتصاددانان مختلف دیدگاه‌های متفاوتی دارند درباره اینکه چه رویدادهایی منابع شکست بازارند. روند کلی تجزیه و تحلیل اقتصادی در بسیاری جاها یک شکست بازار می‌پذیرد (مربوط به کارایی پارتو) که به سه دلیل می‌تواند رخ دهد:

- اگر بازار انحصاری شده باشد یا گروه کوچکی از کسب و کارها قدرت بازاری معناداری را نگه داشته باشند.

- اگر تولید کالا یا خدمت منجر به یک اثر برونی شود.

- اگر کالا یا خدمت یک کالای عمومی است.

رقابت شرط لازم برای رسیدن به کارآمدی اقتصادی است. رقابت سبب می‌شود که بنگاه‌ها در

جستجوی یافتن کارآمدترین شیوه تولید برآیند و بیشترین مقدار محصول را با کمترین قیمت ممکن به دست مصرف کننده برسانند. اما شرایط رقابت کامل فقط به صورت یک حالت مبنا در مباحث نظری قابل تصور است و در عمل به طور کامل محقق نمی شود. واحدهای اقتصادی اگر در حالت رقابت نباشند می توانند با تولید کمتر سود بیشتری نسبت به حالت رقابتی ببرند. بنابراین سعی می کنند به هر شیوه ای که ممکن باشد نوعی انحصار برای خود ایجاد کرده و از رقابت در امان بمانند. گاهی این انحصار از طریق خلاقیت و نوآوری و ایجاد تنوع در محصولات حاصل می شود. یعنی بنگاه ها انگیزه نوآوری و خلاقیت دارند. این نوع انحصارات که پاداش خلاقیت بنگاه ها است تا حدی که برای اقتصاد مفید باشند توسط قوانین حق مالکیت حمایت می شوند. اما گاهی انحصارات از طرق دیگر حاصل می شود. از آنجا که در این موارد کارایی اقتصادی کاهش می یابد، دولت با وضع قوانین ضد انحصار و قوانین رقابت منصفانه با این انحصارها مقابله می کند. حتی اگر رقابت کامل وجود داشته باشد بازهم ممکن است سازو کار بازار کالاهایی را کمتر از مقدار بهینه و یا بیش از آن تولید کند. یک دلیل این نوع ناکارآمدی وجود اثرات خارجی (برون ریزها) است. اثرات خارجی وقتی وجود خواهند داشت که یک بنگاه یا فرد می تواند فعالیتی را انجام دهد که مستقیماً بر روی دیگران اثر مثبت یا منفی بگذارد، لیکن به ازاء آن پولی پرداخت یا دریافت نمی کند. به این ترتیب آن فرد یا بنگاه هزینه ها یا منافع ناشی از این عمل خود را در محاسبات خود وارد نمی کند (معتضد، ۱۴۰۰، ۶۹).

۲. ایجاد فسادهای بانکی

یکی از علل ساختاری فساد، وجود انحصارات و کارتل است. با توجه به اندازه و ناکارآمدی آنها، این ساختارهای بازار، ارتباط و ویژگی های با مقامات و دولت ایجاد می کنند. این مقوله به نوبه خود، منجر به تعامل بی قاعده بین تنظیم کننده بازار و صنعت ایجاد می کند و به توسعه واقعی بخش های خاص آسیب می زند. در شرایط اقتصاد کلان، وجود چنین انحصاری، منجر به عدم کارآمدی کشورها در این بخش ها می گردد. در نتیجه مانع پیشرفت شده و منجر به افزایش نیاز دولت به مداخله و ایجاد چرخه تحریک فساد خواهد شد. در این باره گزارش سازمان همکاری اقتصادی و توسعه در دسامبر ۲۰۱۴ گویاتر است. بر اساس این تحقیقات، برخی بخش ها به طور کلی در مقابل فساد آسیب پذیرتر از سایر بخش ها هستند. معدن، ساخت و ساز، حمل و نقل و ارتباطات و اطلاعات بیشترین سهم را در ابتلا به فساد دارند. واقعیت این است که فساد یک مسأله بومی و محلی است، که بر یک مبنای اقتصادی استوار است. این وضعیت در برخی کشورها رایج بوده و همه سطوح مختلف توسعه را در بر می گیرد.

انحصارات یا انحصارهای چندجانبه از عوامل کلیدی هستند که اجازه می‌دهند فساد به طور منظم رخ دهد و حاوی مقادیر و محاسبات خیلی بزرگ هستند. از آنجا که انحصارها نیاز به حفظ وضعیت موجود در عملیات خود دارند، نیازمند مشروع نمایی عملکرد خود به واسطه دولت‌ها هستند. همین امر به نوبه خود رابطه همزیستی با دولت ایجاد می‌کند و در نهایت به ایجاد و پرورش چرخه فساد می‌انجامد. حمایت قانونی به تدریج منجر به افزایش مداخله دولت‌ها می‌گردد که یک اثر طبیعی در یک بازار غیررقابتی است که در آن کارتل‌ها یا انحصارطلبان برای مقابله با ورود بازیکنان جدید به بازار به کار می‌بندند (منوری، ۱۳۹۹، ۱۵).

۳. کاهش خلاقیت و نوآوری در امور بانکداری

برخی پژوهشگران معتقدند که رقابت در بازار محصول با از بین بردن انحصار، نوآوری را از بین می‌برد. در حالی که گروهی دیگر نتیجه عکس می‌گیرند. به عقیده محققان اخیر رقابت ممکن است به عنوان فاکتوری برای جلوگیری از نوآوری به شمار رود. در حمایت از این نظریات مطالعات تجربی دیگری رابطه معکوس میان نوآوری و انحصار را ثابت کرده اند. نگرانی عمده این است که ادغام منجر به کاهش رقابت خواهد شد. مطالعات نشان می‌دهد که در بازارهای بانکی که بسیار متمرکز هستند، مؤسسات غیرمالی دسترسی قابل ملاحظه‌ای به اعتبار دارند. در توسعه مثبت، تخصیص منابع سرمایه، افزایش تقسیم ریسک و نرخ پس انداز بالاتر که منتج به رشد اقتصادی می‌شود نیز تقویت می‌گردد. نوآوری در بخش بانکی یک مسیر مهم تلقی می‌شود که از طریق آن توسعه مالی بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد. با مطالعه‌ای که بر بانک‌های بزرگ آمریکایی صورت گرفته، دریافته‌اند که صنعت بانکداری ایالات متحده به طور کلی بیش از سطح نوآوری مطلوب متمرکز شده است و از بین بردن مقررات بانکی بین دولتی، نوآوری را از طریق تأثیر آن بر رقابت کاهش داده است. نتایج تجربی نشان می‌دهد که ارتباط معکوس بین رقابت و نوآوری در صنعت بانکی وجود دارد. در این تحلیل از متغیرهای کنترل و ابزارهای مختلف در دوره‌های مختلف استفاده شده است. تنظیم مقررات بانکی بین ایالتی نیز به طور متوسط بر رقابت و به تبع آن بر نوآوری مؤثر بوده است. از آنجا که بانک‌ها در سطح پایین تری از استانداردهای رقابتی قرار داشتند لذا مقررات انحصاری بانکی به طور متوسط بر کاهش نوآوری کارگر افتاده است (گنجی، ۱۳۹۵، ۱۱۰).

۴. افزایش بهای خدمات بانکی

یک رابطه منطقی وجود دارد بین این که یک واحد انحصاری، تولید یک کالای خاص را در اختیار

داشته باشد و در عین حال با افزایش بهای آن، مشتری را مجاب به پرداخت هزینه‌های بیشتر و به تبع آن کاهش رفاه اجتماعی گردد. عدم رقابت در بازار یک کالا حق انتخاب مشتریان را کاهش داده و به کالاهای انحصاری و در عین حال ضروری محدود می‌کند. رابطه معکوس میان تقاضا و هزینه‌های خدمات در علم اقتصادی مسئله‌ای تثبیت شده است و نیازی به بحث جزئی ندارد. هرچه میزان عرضه خدمات کمتر باشد به همان اندازه به علت عدم تناسب آن با تقاضاها، گران‌تر شده و هزینه‌های بیشتری به مصرف‌کننده تحمیل می‌کند. از سوی دیگر به علت انحصاری بودن خدمات، مؤسسه اقتصادی منحصر، تمایلی برای به روزرسانی تجهیزات و کیفیت خدمات خود نخواهد داشت؛ از این رو به دلیل استهلاک ابزارهای ارائه خدمات دائمی مجبور به پرداخت هزینه‌های تعمیر و نگهداری شده و همین هزینه‌ها را به هزینه خدمات افزوده و به مشتری بار می‌کند. همچنین پایین بودن کیفیت خدمات مستقیمی بر مشتری مؤثر بوده و خواسته‌های وی را علیرغم نیاز مبرم به آن تأمین نمی‌کند. ادغام بانک‌ها و کاهش ارائه‌کنندگان خدمات منجر به کاهش رقابت و عدم صلاحدید مدیران شرکتها برای پیشرفت و تجهیز شعب خود می‌گشته و در نتیجه علیرغم نارضایتی از کیفیت خدمات، بهای آن را افزایش می‌دهد. این در حالی است که رقابت تأثیر عکس دارد. در صورتی که رقابت وجود داشته باشد، شرکت‌های ارائه‌کننده خدمات، برای قیمت‌گذاری کالاهای خود انگیزه می‌یابند و مشتریان نیز با توجه به دوام و کیفیت و صرفه خدمات ارائه شده دست به انتخاب می‌زنند (زارعی و مدنی، ۱۴۰۰، ۴۹). البته نتیجه‌گیری فوق به معنای این نیست که انحصارگری لزوماً به کاهش کیفیت خدمات می‌انجامد. گاهی علاوه بر بهبود کیفیت خدمات، بهای آن افزایش می‌یابد، لیکن اگر رقابت کامل وجود داشته باشد علیرغم همین افزایش کیفیت، با افزایش بهای خدمات مواجه نخواهیم بود.

نتیجه‌گیری

بانک‌ها و مؤسسات اقتصادی از جمله نهادهایی هستند که مورد حمایت قانونی و سیاستی دولت‌ها قرار می‌گیرند. آنچه انگیزه ادغام در مؤسسات را فراهم می‌کند، سرمایه‌گذاری بیشتر، نوآوری فنی، تجدید سازمان اقتصادی و در نهایت تقویت نیروی انسانی است. تعاملات تقویت‌کننده چون ادغام، می‌تواند به رشد همه جانبه مؤسسات اقتصادی و بانک‌ها کمک کند. قانون‌گذار برای جلوگیری از انحصار مالی منفی در ادغام بانک‌ها و مؤسسات مالی، دست به تدابیر پیشگیرانه، تبیین تخلفات و بیان ضمان ناشی از انحصار زده است. اقدامات پیشگیرانه و کنترل ادغام‌ها در حقوق رقابت بسیار مهم است و گستره این اقدامات بسیار وسیع بوده و موارد عدیده‌ای چون خصوصی‌سازی، مقررات زدایی، برابری در مزایای

خاص، رفع تعارض منافع، تدوین کدهای رفتاری همراه با مشارکت جامعه مدنی، آموزش و برنامه‌های تشویقی برای کارکنان و مهار فساد در فرایند ادغام را شامل می‌شود. برشمردن تخلفات حاصل اصل قانونی بودن جرم و مجازات و اصل قبح عقاب بلا بیان است. در مورد بانک‌ها و مؤسسات مالی مشخص کردن قیمت‌های خدمات و نحوه تعیین آن در بازارهای مالی به طور مستقیم یا غیرمستقیم، محدود کردن کنترل مقدار ارائه خدمات در بازار، تحمیل شرایط تبعیض آمیز در معاملات همسان با طرف‌های تجاری، ملزم کردن طرف معامله به عقد قرارداد با اشخاص ثالث یا تحمیل شروط قرارداد به آنها، موکول کردن انعقاد قرارداد به قبول تعهدات تکمیلی، تقسیم یا تسهیم بازار خدمات بین دو یا چند شخص و محدود کردن دسترسی اشخاص خارج از قرارداد، توافق یا تفاهم به بازار می‌تواند تخلف شمرده شود. از علل طرح دعوا علیه این بنگاه‌ها می‌توان به استنکاف از معامله، قیمت گذاری تبعیض آمیز، تبعیض در شرایط معامله، قیمت گذاری تهاجمی، اظهارات گمراه کننده، عرضه خدمات غیراستاندارد، مداخله در امور داخلی یا معاملات بانک‌ها و مؤسسات رقیب، سوء استفاده از وضعیت اقتصادی مسلط، محدود کردن قیمت فروش مجدد یا مشروط کردن عرضه خدمات به خریدار با پذیرش شرایط اجباری و کسب غیرمجاز، سوء استفاده از اطلاعات و موقعیت اشخاص اشاره نمود

منابع و مآخذ

۱. جلال آبادی، اسدالله، میرجلیلی، فاطمه، انحصار و تمرکز در صنایع ایران؛ مطالعه موردی برخی صنایع ۱۳۷۹-۱۳۸۴، جستارهای اقتصادی، سال چهارم، شماره ۷، ۱۳۵-۱۵۶، تهران، ۱۳۸۶.
۲. روستائی، محبوبه، تأثیر ادغام بانکی بر اندازه رقابت در بازار مشکل پولی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ۳۴-۷۲، ۱۳۹۶.
۳. زارعی، محسن و مدنی، مهسا، بررسی چالش‌ها و تحلیل حقوقی ادغام بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری در ایران، کنفرانس بین‌المللی مدیریت، حسابداری و توسعه اقتصادی، دوره هشتم، ۴۱-۴۹، تهران، ۱۴۰۰.
۴. قربانی لاجوانی، مجید و قربانی لاجوان، جمشید و قربانی لاجوان، زهرا، جستاری درباره جنبه‌های خاص حقوقی افزایش سرمایه ناشی از ادغام ساده بانک‌ها، فصلنامه تخصصی دانشنامه‌های حقوقی، دوره سوم، شماره ۶، ۱۲۱-۱۳۶، تهران، ۱۳۹۹.
۵. قنبری، حمید، ادغام بانک‌ها در حقوق ایران و انگلستان، تازهای اقتصاد، شماره ۱۴۵، ۲۵-۳۱، ۱۳۹۴.
۶. گنجی سرشکی، امید، جنبه‌های حقوقی ادغام بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، تهران، ۸۸-۱۱۵، ۱۳۹۵.
۷. معتضد، عرفان، بررسی دلایل، مزایا و معایب ادغام بانک‌ها و موسسات مالی، کنفرانس بین‌المللی مدیریت، امور مالی، تجارت، بانک، اقتصاد و حسابداری، دوره یازدهم، ۶۷-۸۲، تهران، ۱۴۰۰.
۸. منوری، حسین، نظارت دولت بر رقابت و انحصار اقتصادی در نظام حقوقی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، تهران، ۴۷-۶۳، ۱۳۸۸.
۹. نظری، گلناز، چالش‌های حقوقی ادغام بانک‌ها، کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های دینی، علوم اسلامی، فقه و حقوق در ایران و جهان اسلام، دوره چهارم، ۱۲-۱۹، کرج، ۱۳۹۹.
۱۰. C.Grove, "Efforts to define unfair competition", University of California

Libraries, pp.۱۲۰-۱۲۵, ۱۹۱۹.

۱۱. J.Coates IV, Mergers, "Acquisitions and Restructuring: Types, Regulation, and Patterns of Practice", Harvard John M.Olin Discussion Paper Series, Oxford, Discussion Paper No.۷۸۱, ۱۷۴-۲۰۱, July ۲۰۱۴.
۱۲. P.Coccoresse, Sh.Shaffer, "Cooperative banks and local economic growth", CAMA Working Paper, New York, pp.۱۴۳-۱۶۲, ۲۰۱۸

